

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت گزارشگران
۱۰ دسمبر ۲۰۱۷

از مصاحبه های کارگری گزارشگران:
جنبش کارگری در ایران، ضعف ها و قوت ها
مصاحبه با شروین رها



سازمانها و احزاب چپ در اپوزیسیون بارها تلاش کرده اند که اتحادی قوی شکل دهند و از سکتاریسم دست شویند ولی از آنجا که بر بستر طبیعی مبارزات کارگری قرار ندارند نه تنها به آن دست نیازیده اند همانا خود دچار انشعاب و چند دستگی شده و اعضاء از دست داده اند. هستند جریاناتی که در تلاش برای تأثیر گذاری بر سیر مبارزات کارگری هستند ولی همچنان آغشته به سنت های غیر سوسیالیستی هستند. به نظر من جنبش کارگری برای اجتماعی شدن نه تنها به سیاست های سوسیالیستی نیاز دارد بلکه منطبق با آن می بایست سنت های عملی اش هم سوسیالیستی باشد

گزارشگران: دستگیری دوباره محمود صالحی فعال کارگری شناخته شده که سالیان دراز رنج و محرومیت و زندان و شکنجه را بر دوش کشید تا از حقوق محرومان و هم زنجیران خود دفاع کند، انگیزه این مصاحبه هاست. روشنی افکندن بر نقاط کور و ضعف های جنبش میلیونی کارگران ایران برای دستیابی به ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش دلیل این تلاش اندک و نظرخواهی از فعالان کارگری و سیاسی از سوی گزارشگران است.
موج اعتراضات کارگری به بی عدالتی های موجود سالهاست به شکل فزاینده در جریان است. گاه همانند آتشفشان در مکانهای تولیدی و خدماتی غلیان می کند و فضای خبری و رسانه ئی را به خود تعلق می دهد. زنجیر فقر و ستم نظام سرمایه داری برپایشان و بار گران تورم و هزینه های زندگی روزمره را بر گرده خویش می کشند. ظلم و تعدی و بی حرمتی به آنان از سوی مسئولین حاکم بدون مرز ادامه و جریان دارد. در این میان اما فعالان و نمایندگان کارگران

بیش از همه در تیررس نابکاران و دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار دارند. کارگران معترض به این بی عدالتی ها را می کشند. شلاق می زنند به زندان می افکنند. شکنجه می کنند. اسیران زندانی را می کشند. محکوم به مرگ خاموش می کنند. آنان را بیکار و از حق زندگی شرافتمندانه محروم می کنند. صدای اعتراض و شکایات آنها در فضای خبری سرمایه زده داخل کشور بندرت به گوش کسی می رسد. همبستگی بین المللی کارگران خارج از کشور با کارگران ایران اگر چه قدرتمند است اما با بی اعتنائی مطلق دست اندرکاران حکومتی مواجه است. برآستی برون رفت از این وضعیت چگونه می تواند باشد؟ هم از اینرو با فعالان کارگری و سیاسی مصاحبه می کنیم.

با شروین رها - فعال کارگری مصاحبه داریم

گزارشگران: طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هر روزه بخشی از این وقایع در محیط های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری می یابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست؟

شروین رها: همچنان که واقعیت نشان داده است و شما نیز به آن اشاره کردید اشکال مختلف مبارزات جاری کارگری در ایران غیر قابل شمارش است و این در تاریخ اعتراضات کارگری در ایران بی سابقه بوده است. حتی می توان به جرأت گفت از لحاظ کمی و نیز کیفی طبقه کارگر در ایران که بخشی از طبقه کارگر جهانی است در حال حاضر در یک گذر تاریخی به سر می برد. به این معنا که در مبارزات مطالباتی اش اشکال متنوعی را تجربه کرده است، از آن درس می گیرد و روز از پی روز به سطح بالاتری از مبارزه گذر می کند. اعتراضات چندی پیش کارگران در شرکت آذر آب و هپکو در اراک و نیز فراخوان سندیکای واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در پی اعتصاب غذای رضا شهابی مؤید این واقعیت است. اگر چه این مبارزات هنوز سراسری نیست و همچنان پراکنده است ولی روند عینی نشان می دهد که مبارزات در حال هماهنگ شدن است و در دل این مبارزات است که کارگران به ضرورت متشکل بودن پی می برند.

گزارشگران: از حکومت عدل علی گفته می شد و این که رهبران جمهوری اسلامی می خواستند دست پینه بسته کارگران را ببوسند و در گذر تاریخچه این حکومت دیدیم که چه بر سر کارگران و زحمتکشان رفت. هر جا اعتراضی هست نیروهای ضد شورش بسرعت در برابر شریف ترین انسانهای کشورمان صف می بندند و در اندیشه سرکوب و حشیانه آنها هستند و از هیچ جنایتی ابا ندارند. ریشه اینهمه خصومت و خشونت چیست؟

شروین رها: اساساً ریشه خصومت و خشونت در بطن نظام استثمارگرانه سرمایه داری قرار دارد. نظامی کارمزدی که در آن اکثریت جوامع یعنی کارگران برده مزد هستند، تولید و سازندگی بر دوش آنهاست و خود از آن بی بهره هستند، چرا که در مقابل دریافت مزد مجبوراند نیروی کارشان را به فروش برسانند. آنچه توده عظیم کارگران از لحاظ تاریخی در تجربه گذران زندگی شان با گوشت و پوست خود لمس کرده اند بیان موجز آن در کاپیتال مارکس در بررسی علل خشونت در نظام سرمایه داری موجود است و کارگران سوسیالیست در هر مقطع تاریخ مبارزاتی ناگزیر از رجعت دوباره به آن خواهند بود. در ایران نیز هر چند طبقه کارگر با یکی از هارترین و جنایتکارترین حکومت ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی رودر رو است ولی ستراتیژی سیاسی طبقه کارگر در ایران صرفاً در مبارزه ضد رژیم خلاصه نمی شود، بلکه مبارزه علیه رژیم برای طبقه کارگر می باید در مسیر ستراتیژی ضد سرمایه داری

قرار گیرد. گرایش‌های سیاسی غیر کارگری و خرده بورژوازی در اپوزیسیون که تقریباً سیاست تمامی سازمان‌های چپ را در بر می‌گیرد بر ستراتیژی مدرنیستی و ضد رژیم استوار است و مبارزات کارگری در ایران نیز از چنین منزلی عملاً به نیروی فشارچنین ستراتیژی تبدیل می‌شود. گرایش‌های بورژوازی لیبرال و سوسیال دموکرات نیز که اجحاف به طبقه کارگر را در سیاست‌های رژیم اسلامی یا بخشی از آن خلاصه می‌کنند هدفشان حفظ نظام سرمایه داری است. سوسیالیست کارگری که متحد شدن طبقه کارگر، استقلال طبقاتی و به قدرت رسیدنش را پی می‌گیرند انعکاس مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری است که نماینده یا حافظ آن یا رژیم سلطنتی است (مثل دوران حکومت پهلوی) و یا رژیم اسلامی است (مثل دوران حاضر). خصومت و خشونت علیه کارگران و سرکوب آن توسط رژیم اسلامی را می‌باید از این زاویه دید و مبارزه کارگران و طبقه کارگر علیه رژیم حاکم را با این چشم انداز می‌باید بررسی کرد. عروج یکی از هارترین رژیم‌های صحنه سیاسی تاریخ ایران مترادف است با عروج اجتماعی طبقه کارگر در ایران که با اعتصاب‌های خود رژیم شاه و دودمان پهلوی را به زیر کشید.

سرمایه داری با سقوط رژیم شاه توسط نیروی اجتماعی کارگران به ارتجاع مذهبی و خمینی که توانست گرایش ارتجاع توده‌ئی در ایران را سازمان دهد نیاز مبرم داشت. با این حال و به بهای اعدام و ترور و کشتار و بگیر و ببند آزادیخواهان، زنان و اقلیت‌ها ارتجاع‌ها اسلامی اکنون چهل سال است در حفظ منافع سرمایه داری دوام آورده است. سرمایه داری از طریق رژیم ارتجاع مذهبی در ایران بر خشونت متکی است و تنها با انقلاب اجتماعی ضد سرمایه داری طبقه کارگر می‌توان جامعه را از رژیم حاکم و خشونت سرمایه در ایران جاروب کرد.

گزارشگران: فعالان کارگری همیشه خود و خانواده‌هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده‌اند. دفاع از حقوق هم‌قطاران تحت ستم در جمهور اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت بقتل رسیدند. امروزه نیز رضا شهابی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت زوم شدن مسئولان جمهوری اسلامی بر آنها چیست؟

شروین رها: این یک سؤال کلیدی است و مشخصاً به مبارزات اجتماعی در ایران و نیز نقش و سازماندهی طبقه کارگر در آن بر می‌گردد.

در جامعه با این همه اعتراض و مشخصاً با اعتراضات کارگری که با وجود سرکوب و کشتار و بگیر و ببند آنان توسط رژیم همچنان فزونی گرفته است و راه‌های جدیدی را برای مبارزاتش پیدا می‌کند، اتهام زدن و دستگیری و پرونده سازی و کشتن فعالان اجتماعی کارگران نشان دهنده قدرت رژیم اسلامی نیست. نشانه هراس رژیم و سرمایه داری از عروج قدرت اجتماعی طبقه کارگر است. سرمایه داری و رژیم طی چهل سال گذشته تجربه اندوخته‌اند و در مقابل می‌دانند که چنانچه نیروی بالقوه طبقه کارگر در ایران بالفعل شود کارشان ساخته است. مبارزات کارگری تا زمانی پراکنده است می‌توان به نوعی بی‌آزارش کرد ولی مبارزاتی که سازمان یابد و در بعد اجتماعی سراسری شود مهارش آسان نخواهد بود. در دهه شصت در تجمع عده‌ای از کارگران ساندج که برای روز کارگر قطعنامه‌ای قرائت شد جمال چراغ ویسی را اعدام کردند ولی آن دوره گذشت. اینک رژیم با مبارزاتی مواجه است که در خود اعتراضات و جمع‌ها و تشکل‌ها و فعالان کارگری دارد و با کشتار و زندانی کردن و بگیر و ببند عقب‌نشینی نکرده است. نیاز سرمایه در ایران به کار ارزان و کارگر خاموش است و این تنها با از صحنه خارج کردن مبارزات متشکل و سازمان‌یافته کارگری میسر است. رژیم اسلامی هم خوب می‌داند که در چنین مسیری جاروب خواهد شد. تمرکز نمودن رژیم با انواع دسته‌بندی‌های درونی‌اش بر فعالان کارگری را عملاً در چنین چهارچوبی باید جست و جو کرد.

گزارشگران: تاریخچه جنبش کارگری پیوسته با مقوله ای به نام فرقه گرائی روبه رو بوده است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباطات با جنبش کارگری در کشورمان حضور آن را محسوس می دانید؟

شروین رها: سؤال شما را می توان بر دو بخش کرد. بخش اول این که آیا در جنبش اجتماعی طبقه کارگر که کارگران منافع مشترک دارند و بنا به ضرورت مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری وارد مبارزه مشترک شده اند فرقه گرائی و سکتاریسم جایی دارد به نظرم نه ولی این که کارگران یا فعالان کارگری می توانند به چنین بیماری مبتلا شوند باید گفت متأسفانه بله. به هر درجه ای که مبارزات کارگری اجتماعی شود و از درون آن تشکل ها و نماینده هائی منعکس کننده چنین مبارزاتی تولید و باز تولید شوند به همان درجه امکان رخنه فرقه گرائی و سکتاریسم و فرد گرائی کمتر خواهد شد. فرقه گرائی خاص طبقات غیر کارگری امثال بورژوازی و خرده بورژوازی است و در سطحی که جنبش کارگری ایران در حال حاضر در آن قرار دارد این وپروس محو نشده است.

سازمانها و احزاب چپ در اپوزیسیون بارها تلاش کرده اند که اتحادی قوی شکل دهند و از سکتاریسم دست شویند ولی از آنجا که بر بستر طبیعی مبارزات کارگری قرار ندارند نه تنها به آن دست نیازیده اند همانا خود دچار انشعاب و چند دستگی شده و اعضاء از دست داده اند. هستند جریاناتی که در تلاش برای تأثیر گذاری بر سیر مبارزات کارگری هستند ولی همچنان آغشته به سنت های غیر سوسیالیستی هستند. به نظر من جنبش کارگری برای اجتماعی شدن نه تنها به سیاست های سوسیالیستی نیاز دارد بلکه منطبق با آن می باید سنت های عملی اش هم سوسیالیستی باشد. طبقه کارگر در ایران فاقد تشکل سیاسی اش است و ایجاد آن دارای ملزومات خاص شرایط ایران و نیز در نظر گرفتن تاریخ طبقه کارگر در سطح جهان است. آنها که از دریچه تنگ احزابشان به جنبش کارگری می نگرند شابلون خود را بر مبارزات کارگری گذاشته اند. به عکس این جنبش کارگری است که می تواند حزب و یا هر گونه تشکل سیاسی خود را از درون مبارزاتش و بنا به ضرورتش ایجاد کند.

به هر درجه ای که سوسیالیست ها رفتار و کردار سیاسی شان بر منافع پایه ئی و اجتماعی طبقه کارگر گره خورد و به هر درجه ای که کارگران در مبارزاتشان منسجم تر شوند فرقه گرائی در میان کارگران جایی نخواهد داشت. هنوز در جنبش کارگری ایران این تحول ایجاد نشده است ولی با پیش گفته های فوق این مهم صورت خواهد گرفت. با شکل گیری رهبری جمعی در تشکل سیاسی طبقه کارگر می توان امیدوار بود که فردیت و نخبه گرائی و فرقه گرائی که بر سازمانهای چپ غیر کارگری حاکم است از جنبش کارگری رخت بر خواهد بست.

گزارشگران: از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالان شناخته شده کارگری در داخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش می گویند. اما رد پای فرقه گرائی و مقاومت در برابر آن عریان و پنهان دیده می شود. همبستگی اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه ئی در خارج از کشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می بینید؟

شروین رها: همچنان که در پاسخ به سؤال قبلی اشاره شد و در سؤال شما آمده است با وجود صحبت از همبستگی فراگیر توسط نه تنها فعالان کارگری بلکه در احزاب و سازمانهای چپ اما خلاء این امر حیاتی کماکان محسوس است. با هر درجه از رشد مبارزات کارگری در امر همبستگی و ایجاد تشکل و هماهنگی در ایران انعکاس طبیعی آن در خارج از ایران نیز آثار خود را نشان خواهد داد.

برای کارگران سوسیالیست امر مبارزه و همبستگی و استقلال طبقه کارگر تا به قدرت رسیدنش، روندی از مبارزه دائمی و سازمانیابی طبقاتی علیه سرمایه داری است. در این مسیر ارتقاء سطح مبارزه تا ایجاد جنبشی فراگیر نیاز به اتحاد عمل بر سر مسائل کلیدی دارد که عملاً می تواند به اهداف طبقه کارگر یاری رساند. در سؤال قبلی اشاره شد که طیف چپ علی العموم برای اتحاد از آمال و ارزشهای خود حرکت کرده و می کند تا از نیازهای عینی جنبش کارگری و به همین جهت با هر درجه از حسن نیت نتوانسته این اتحاد را شکل دهد و به عکس شکننده شده است. ایجاد جنبش فراگیر که بر بستر مبارزات عینی طبقه کارگر در ایران شکل بگیرد و با چنین ارزیابی بتواند اتحاد عمل هایش را سازمان دهد نتایجی دیگر و در جهت اتحاد طبقاتی کارگران خواهد داشت. تلاش برای اتحاد عمل در داخل ایران و نیز خارج از ایران در مواردی صورت گرفته است ولی در مقابل جان سختی سیاست های غیر کارگری و من جمله فرقه گرایی نتوانست به امری ماندگار تبدیل شود. اما پس از مدتها اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و نیز کارگر سندیکای واحد رضا شهابی در سطحی وسیعی منعکس شد و حول آن نوشته و نا نوشته اعتراضاتی به اشکال مختلف صورت گرفت که خود آن ذهن جمع وسیعی از فعالان را به خود معطوف کرد. این حرکت در حد انعکاس طبیعی جنبش کارگری بود و نشان داد در صورت هر چه اجتماعی شدن جنبش کارگری در ایران پتانسیلی در خارج خواهد داشت. البته علت فراگیر نشدن اعتراضات در خارج از کشور را قبل از این که در جان سختی سنت های غیر کارگری احزاب جست جو کنیم می باید در عدم انسجام جنبش کارگری در ایران دید. به هر درجه ای که گرایش به اتحاد عمل بر مبنای منافع طبقه کارگر رشد کند یقیناً خود مرکزبینی و خود محوری های کاذب سنت های غیر کارگری کم رنگ تر خواهد شد.

گزارشگران: پیشنهاد شمابرای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

شروین رها: همبستگی در جنبش ها و اینجا مشخصاً در جنبش کارگری به درجه اجتماعی شدن آن است و با عملیاتی کردن روش های اجتماعی و فراگیر جنبشی می توان آن را فراهم کرد. مبارزه کارگران و نیز جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه در ایران خواست و مطالباتش وسیع است و با تشخیص درست و به موقع آنها در فراهم کردن برای اتحاد عمل فراگیر می توان موانع سر راه همبستگی را کنار زد. دستگیری فعالان اجتماعی و زندانیان سیاسی در ایران، سطح نازل معیشت در ایران و در کنار این ها مسائل مختلف اجتماعی که زمینه های همکاری را در جامعه تقویت می کند (من جمله زلزله اخیر در منطقه غرب) می تواند در جهت تقویت و رشد همبستگی قرار داشته باشد. مشخصاً موانع همبستگی طبقه کارگر در واقع همان موانعی است که سر راه اتحاد و پیشرفت طبقه کارگر قرار دارد. استبداد هار اسلامی در ایران، ستم مضاعف و مردسالارانه از نوع ارتجاعی ترین آن یعنی مذهبی بر زنان، فقر و معیشت و مزد بسیار نازل، تحمیل انواع روش های نئولیبرالیستی بر کارگران و مزدبگیران، عدم تشکل های کارگران، زندانی کردن نماینده های کارگران و فعالان کارگری به منظور مرعوب کردن طبقه کارگر و بالاخره ایجادتفرقه آشکار بین کارگران تحت عنوان ایرانی و افغانی و ... مشکلاتی بر سر راه اتحاد طبقه کارگر فراهم کرده است.

اما با این وصف و با توجه به شرایط عینی، بحران سرمایه داری و نیز بحران حکومتی نه تنها با برجام تخفیف نیافت بلکه در شرایطی بدتر قرار گرفته است. مبارزه کارگران و معلمان و بازنشستگان و غیره هر چه بیشتر از دیوارهای استبداد عبور کرده و به ضرورت متشکل شدن برای تأمین مطالباتشان در عمل رسیده اند. تلاش برای سراسری کردن و عمومی کردن شعارها و اعتراضات و رساندن سطح مبارزه، به حدی که اتکای مبارزه به نیروی

جمعی خود برسد، می تواند بابتانسیل عظیم طبقه کارگر در ایران آن را به یک نیروی اجتماعی مؤثر در جامعه سوق دهد. نیروئی که نوید رفاه و آزادی برای اکثریت مردم در ایران است .

باسپاس از شما و امید که کارگران و حامیان راستین کارگران ایران موفق باشند.

گزارشگران